

د: ۸۸/۱/۲۱

پ: ۸۸/۸/۳

نگرشی نو بر دیوان اثیرالدین اخسیکتی

احمدرضا یلمه‌ها*

چکیده

اثیرالدین اخسیکتی از شعرای نامدار قرن ششم و از قصیده‌سرایان معروف ادب فارسی است. تنها چایی که از دیوان این شاعر صورت پذیرفته، چاپ رکن‌الدین همایونفرخ است که برای اولین بار از سوی کتابفروشی رودکی در مردادماه ۱۳۳۷ به چاپ رسید. این تصحیح به دلایل فراوان از جمله متأخر بودن نسخه‌ی اساس مصحح و نیز عدم دسترسی به نسخ متعدد و متقدم، با تحریفات و تصحیفات فراوان صورت پذیرفته و بسیاری از ابیات با اغلاط، افتادگیها و ابهامات و تعقیدات فراوان ضبط گردیده است. نگارنده با در دست داشتن قدیم‌ترین نسخه و نیز چند نسخه‌ی متقدم از دیوان این شاعر، بسیاری از اغلاط و تحریفات دیوان چایی را با مقابله و مقایسه‌ی نسخ تازه یافته تصحیح کرده که برخی از این موارد را در این نوشتار ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: تصحیح، نسخه‌های خطی، اثیرالدین اخسیکتی، دیوان.

مقدمه

پس از آنکه علامه قزوینی با روش تصحیح علمی آشنا شد و این شیوه را برای تصحیح متون ادبی به کار گرفت، نقطه‌ی عطفی در تصحیح متون حاصل گردید. این

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

تحول باعث گردید تا در مدتی کوتاه، بسیاری از متون ادب فارسی با روشی علمی، تصحیح و تنقیح گردد. با آنکه آثار تصحیح شده هر روز رو به فزونی است، لیکن هنوز بخش عظیمی از آثار ادبی به صورت نسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف در بوته فراموشی است. دیوان اثیرالدین اخسیکتی از جمله متونی است که تنها یک بار، آن هم در مرداد ۱۳۳۷ش، توسط رکن‌الدین همایونفرخ به حلیه طبع آراسته شده است. لیکن به دلایل فراوان، هنوز تصحیح مستند و منتقدانه‌ای از آن در دست نیست. بسیاری از ابیات این شاعر به گونه‌ای محرف و مبهم با اغلاط فراوان به صورت لاینحل ضبط شده و بسیاری دیگر از ابیات نیز در نسخ تازه‌یافته ضبط است که در دیوان چاپی موجود نیست. پیش از بحث و بررسی در این خصوص، مقدمه‌ای درباره این شاعر و دیوان چاپ شده او می‌آوریم.

اثیرالدین محمدبن ابی‌طاهر اخسیکتی معروف به اثیر اخسیکتی از شعرای نامور سده ششم هجری و از مشاهیر شعر و ادب فارسی است. نسبت او به اخسیکت از محال فرغانه است که در آنجا متولد گردیده است. وی از شاعران ورزیده طبع و از گویندگان چیره‌زبان و مفلک در ایجاد معانی و مضامین بکر و تازه و از معاصران خاقانی، مجیر بیلقانی، و رشید وطواط است. ناقدان سخن، اثیر اخسیکتی را در ردیف شاعران قصیده‌پرداز بزرگ قرار داده‌اند (صفا ۱۳۷۳: ۷۰۹/۲). تنها چاپی که از دیوان این شاعر در سده اخیر صورت پذیرفته، به تصحیح رکن‌الدین همایونفرخ، کتابفروشی رودکی، ۱۳۳۷ش است. این چاپ مشتمل بر مقدمه‌ای در شرح احوال شاعر و روش تصحیح در ۱۱۲ صفحه و متن دیوان نیز شامل قصاید (۴۲۱۴ بیت)، غزلیات (۱۳۶۱ بیت)، قطعات (۵۵۷ بیت)، مفردات (۲۴)، ترجیعات (۲۳۴ بیت) و رباعیات (۱۴۲ بیت) است. دیوان مذکور از مقابله شش نسخه و مجموعه جمع‌آوری شده که اکثر این نسخ متعلق به قرون متأخر است و چنانکه مصحح در مقدمه نوشته است، نسخ دسترس ایشان نسخه کتابخانه مجلس (مج) مکتوب به سال ۱۰۸۰ق، نسخه کتابخانه ملی ملک (م) با تاریخ کتابت ۱۰۰۵ق، مجموعه‌ای از دیوانهای سی شاعر (مب) مکتوب در قرن یازدهم، یک نسخه متعلق به مصحح، مکتوب به سال ۱۲۶۱ق (نسخه «ص» به عنوان نسخه اساس مصحح در تصحیح دیوان)، نسخه‌ای هم بدون تاریخ متعلق به قرن دوازدهم (ند)، و سرانجام نسخه‌ای متعلق به آقای یرتو

بیضایی مکتوب به سال ۱۰۶۸ق، مشتمل بر سه هزار و سیصد و اندی بیت (با علامت اختصاری «پ») بوده است. مصحح علاوه بر آن به خلاصه‌الاشعار و مونس‌الحرار و هفت اقلیم نیز مراجعه کرده است. مصحح در مقدمه دیوان می‌نویسد:

با استفاده از نسخی که یاد شد، متن نسخه ص را که در صحت نسبت به سایر نسخ مزیت داشت، متن قرار داد و سایر اختلافات و اضافات نسخ دیگر را با آن سنجید و به آن افزود و تصحیح را به روش کارل لاخمان انجام داد. با توجه به اینکه بر طبق علایم نسخه‌بدلها که در زیر صفحات نموده شده است، در کلیه دیوان، ۵۷۵۶ مورد تصحیح شده و در ۵۷۵۶ مورد اگر صد مورد آن هم به فرض مورد پسند خاطر کسی قرار نگیرد، در برابر رقم پنجهزار و هفتصد و پنجاه و شش، ناچیز و قابل توجه نیست. در حالی که ده مورد هم نمی‌توان یافت که بر خلاف قیاس و توجه به نحوه تفکر و سیاق سبک تصحیح اصولی نشده باشد (همایونفرخ ۱۳۳۷: چهارده).

قدیم‌ترین نسخه موجود از دیوان اثیر اخسیکتی، نسخه‌ای است به نام «دو‌وین سته» که مجموعه‌ای است از شش شاعر که حدود ۵۷۸۵ بیت از دیوان این شاعر را دربر دارد. اصل این نسخه در کتابخانه ایندیا آفیس لندن با شماره ۲۱۳ نگهداری می‌شود و علامه قزوینی از اصل این نسخه، عکسی تهیه کرده و مقدمه‌ای عالمانه بر نسخه عکسی آن نوشته است. این نسخه نفیس و باارزش، چنانکه مصحح در مقدمه (ص دوازده) اشاره کرده است، برای مدت بسیار کوتاهی در اختیار مصحح قرار گرفته و به علت قلت مدت نتوانسته است تمام نسخه را با نسخ دسترس خود مقابله و مقایسه کند و فقط چند غزل و قطعه را که در سایر نسخ نبوده، از این نسخه استنساخ و رونویسی کرده است.

نگارنده این سطور با در دست داشتن عکسی از این نسخه نفیس و نیز چند نسخه از جمله نسخه مکتوب به سال ۱۰۳۹ق، مشتمل بر ۲۲۶ صفحه و بالغ بر پنج هزار بیت از دیوان این شاعر، محفوظ در کتابخانه آستان قدس، و نیز نسخ مکتوب به سال ۹۹۶ق، ۱۰۰۳ق، و ۱۰۲۰ق و مقابله و مقایسه این نسخ تازه‌یافته با دیوان چاپی، و نیز اصل نسخه اساس مصحح، و تأمل و توغل در تصحیح دیوان مذکور، به این نتیجه رسید که تصحیح مذکور نمی‌تواند متنی مستند و منتقدانه از

دیوان این شاعر باشد و کاستیها و نواقص فراوان دارد که برخی از آنها در پی خواهد آمد.

۱. متن دیوان بر اساس نسخه متأخر مکتوب به سال ۱۲۶۱ق است و این نسخه، چنانکه کاتب در پایان آن مرقوم داشته، بغایت مغلوط و محرّف است.
۲. مصحّح چند نسخه محدود در دست داشته است؛ بنابراین بسیاری از ابیات دیوان برای ایشان لاینحل باقی مانده و یا از روی ذوق و جهی برای آنها اندیشیده است. از این رو، بسیاری از این تصحیحات قیاسی صحیح نیست.
۳. موارد بدخوانی و ناخوانی اصل نسخه در متن دیوان فراوان است؛ در صورتی که اصل این ابیات خواناست.
۴. با توجه به متأخر بودن نسخه اساس، بسیاری از ابیات با تحریف و تصحیفات فراوان به صورت ضبطهای نادرست و مغلوط مضبوط است و مصحّح در حاشیه به ابهام و عدم تصحیح نهایی آنها اشاره کرده است.
۵. مصحّح در مواردی نسخه بدل را برگزیده و در متن برده، در حالی که ضبط نسخه اساس صحیح تر بوده است. در مواردی نیز نسخه اساس با نسخه بدل خلط شده است.
۶. متن چاپ شده فهرست اشعار و ابیات ندارد و فهرست اعلام آن، ناقص و غیرتحقیقی است. نبود فهرستهای آغازی و پایانی (متناسب با ردیف و قافیه اشعار) جستجوی اشعار را در دیوان با مشکل روبه‌رو کرده است.
۷. در ابیات فراوانی از دیوان، اسقاطات و افتادگیها به صورت نقطه‌چین ضبط گردیده و مصحّح در حاشیه به خوانا نبودن یا آب‌افتادگی نسخ دسترس اشاره کرده است.
۸. در نسخ تازه‌یافته اشعار بسیاری موجود است که در جمیع نسخ دسترس مصحّح مضبوط نبوده است.
۹. مقادیر فراوانی از ابیات در اثنای قصاید و قطعات محذوف یا با جابه‌جایی فراوان ضبط گردیده است. مثلاً در ضمن قصیده‌ای ده بیت افتاده یا ابیات

قصیده‌ای با قصیده‌ای دیگر خلط شده است یا ابیات میانی قصیده‌ای با وزنی دیگر ضبط شده است.

۱۰. بسیاری از مصاریع به صورت ترکیب دو بیت در یک بیت با افتادگی و با تعقید فراوان ضبط گردیده است. برای تبیین و تشریح دلایل مذکور، نمونه‌هایی ارائه خواهد گردید.

ترکیب دو بیت در یک بیت

یک دسته از اشکالات ابیات این دیوان مواردی است که مصراع یا مصاریعی ساقط گردیده و بقیه چنان خلط یا جابه‌جا گردیده که معنی ابیات را مغشوش و مختل ساخته است. برای نمونه به چند بیت زیر می‌توان اشاره کرد:

- ص ۱۱۶، ب ۱۱:

از این جواهر منظوم دهر بی‌خبر است عقول شیفته را این گران‌خراج عقود
در ضبط نسخه‌های کهن دیوان می‌خوانیم:

خراج هر دو جهان ارزد این عقود کهن عقول شیفته این گران‌خراج عقود
از این جواهر منظوم دهر بی‌خبر است و گرنه پیش کشیدی خزاین منضود
چنانکه مشهود است، مصراع اول بیت اول و مصراع دوم بیت ثانی از قلم افتاده و از مصاریع باقی مانده یک بیت نامربوط ساخته شده است.

- ص ۱۸۱، ب ۹:

خدایگان نپسندند، بآیدش بودن نه در حیات مجرد پس از وفات نشور
بیت به همین صورت مبهم و مغشوش در متن دیوان چاپی ضبط گردیده و هیچ نسخه‌بدلی نیز برای آن ذکر نشده است. این بیت هم از ابیاتی است که به واسطه خلط دو بیت، بی‌تی مغشوش و مبهم ساخته شده است. در ضبط نسخه‌های تازه‌یافته بیت چنین است:

خدای نپسندد که بنده خود را کند معاتب فرمان به عقل نامقدور

وگر پسندد بنده بآیدش بودن نه در حیات مجرد پس از وفات نشور

- ص ۲۱۲، ب ۱۷:

ز خوان اشرف یک بیت زله برگیرم ز پرده‌های فلک بگذرد و فغان کرم

چنانکه می‌بینم مفهوم بیت مبهم و مغشوش است. اصل مطابق نسخ موجود چنین است:

ز خوان اشرف یک بیت زله بگیرم اگر چه نیست خوش آن لقمه در دهان کرم
 «به بوی فضل و کرم خان و مان رها کردم که روی فضل سیه باد و خان و مان کرم»
 اگر ز چهره این رمز پرده بگیرم ز پرده‌های فلک بگذرد فغان کرم
 - ص ۲۲۴، ب ۶:

چرخ دولابی افکنده چو یوسف در چاه هر نسیمی که وزد زنگله پیرهنم
 صورت صحیح مطابق نسخه‌های کهن چنین است:

چرخ دولابی‌ام افکنده چو یوسف در چاه وای سیاره اگر در نظر آرد رسنم
 میزبانی است همه کوردلان را به بصر هر نسیمی که وزد زانگله پیرهنم
 - ص ۲۷۲، ب ۱۱:

گرد صف ناورد جهانگیر نگه کن بخشایش یزدان نگر و بخشش سلطان
 در مرتبه میرجهانگیر نگه کن لشکرکش توران لشکرکش ایران
 در نسخه‌های کهن دو بیت مزبور چنین ضبط است:

در مرتبه میرجهانگیر نگه کن بخشایش یزدان نگر و بخشش سلطان
 گرد صف ناورد، جمال دولت و دین لشکرشکن توران لشکرکش ایران
 - ص ۲۷۴، ب ۹:

بی طره عارضت خرد را کافر شده عالمی در ایمان
 در نسخه‌های کهن، بیت چنین است:

بی طره عارضت خرد را بیکار بمانده خوان از اخوان
 بر دعوت آشکار زلفت کافر شده عالمی در ایمان

بدخوانیهای اصل نسخه

دسته دیگر اشکالات دیوان چاپی، ابیاتی است که در نسخه اساس مصحح به صورت صحیح ضبط گردیده، ولیکن به واسطه عدم تدقیق و توغل، مصحح آنها را به گونه‌ای محرف ضبط کرده است. برای نمونه می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

- ص ۳۹، ب ۱۵:

همه در خواب غفلتند که زود سرشان برکنی به تیغ از خواب
در ضبط نسخه‌های کهن و نیز نسخه‌ی اساس مصحح می‌خوانیم:

همه در خواب غفلتند که زود سرشان برکنی به صفع از خواب
- ص ۵۱، ب ۵:

آن روزنامه باد ضمیر تو کاندر او اسرار هفت خاتم گردنده چنبر است
واژه «چنبر» با مفهوم بیت ناسازگار است و مصحح این واژه را از نسخ بدل
انتخاب کرده و در داخل متن برده و در حاشیه نوشته است که در نسخه‌ی اصل
«ملامر» است. گفتنی است در نسخ کهن و نیز نسخه‌ی اساس ایشان بیت چنین است:
آن روزنامه باد ضمیر تو کاندر او اسرار هفت خاتم گردنده مضمّر است
و در دو بیت بیشتر از بیت مزبور، در متن دیوان چاپی می‌خوانیم:

صد قصه و قصیده و پیغام و ماجرا در بطن این دو بیت که گفتیم مضمّر است
و به جای بیت مزبور در نسخ کهن و نیز نسخه‌ی اساس مصحح چنین آمده است:
صد قصه و قصیده و پیغام و ماجرا در ضمن این دو بیت که گفتیم مستر است
گفتنی است مصحح «ضمن» را در نسخه‌ی اساس «خمس» خوانده و «بطن» را از
نسخ دیگر انتخاب کرده و در بیت گنجانیده است. همین طور «مستر» را که در
نسخه‌ی ایشان هم مضبوط است، نپسندیده و «مضمّر» را در متن برده است که در
قافیه دو بیت بعد تکرار گردیده است.

- ص ۵۸، ب ۱۳:

نه در انگشت عقل معدود است نه به منقار عقل موزون است
صحیح چنین است:

نه در انگشت عقد معدود است نه به معیار عقل موزون است
- ص ۵۸، ب ۱۴:

مردم دیده خاک سرمه‌ی توست زانکه بر طلعت تو مفتون است
صحیح بیت، مطابق اقدم نسخ، چنین است:

مردم دیده چاک پیرهن است زانکه بر طلعت تو مفتون است

بیت زیر از دیوان اثیر، مؤید این ضبط است:

مردم دیده چاک پیرهن است زانکه بر طلعتش بود مفتون
(دیوان: ۲۷۰)

- ص ۹۲، ب ۶:

سایل بی‌برگ با عنایت جورش چون گل صد برگ در حمایت ظل باد
در جمیع نسخ دیوان این شاعر، به جای واژه بی‌ارتباط «جورش»، «جودش»
ضبط شده که صحیح هم همین است.

- ص ۱۴۵، ب ۶:

صدر دریا دل اثیرالدین که اقبالش کند رایت اعلی و اعظم را ز رفعت بر اثیر
مطابق نسخه‌های کهن و نیز اصل نسخه اساس مصحح، صواب بیت چنین است:
صدر دریا دل اثیرالدین که اقبالش کشد رایت اعلی و اعظم را ز رفعت بر اثیر

- ص ۱۴۶، ب ۴:

طرفه میزانی است عالم سنج حلمش کاندرو خردۀ پاسنگ می‌باید ز البرز و زبیر
به جای «زبیر» در نسخه اساس مصحح «ثبیر» ضبط گردیده و مصحح آن را با
بدخوانی «بشیر» خوانده و آن را به حاشیه برده و «زبیر» را از دیگر نسخ برگزیده
است. «ثبیر» که در اقدم نسخ دیوان اثیر مکتوب به سال ۷۱۳ق نیز ضبط است، نام
کوهی است و این واژه در دیوان شعرای هم‌عصر شاعر، چون عبدالواسع جبلی و
عثمان مختاری، نیز آمده است. عثمان مختاری می‌گوید:

گفتم از یک شعر بار منتت کمتر کنم طبع گفت از باد کی زایل شود کوه ثبیر
(دیوان: ۲۱۰)

و عبدالواسع جبلی گوید:

حزم او کوه ثبیر و عزم او برق منیر رزم او نار سعیر و بزم او خلد برین
(دیوان: ۳۲۱)

- ص ۱۴۶، ب ۶:

تا فلک ضبط نظام کل به کلکش بازبست

اولین مضبوط قطمیر است و میرد تا نفیر

مصراع مغشوش ثانی در جمیع نسخ کهن چنین است:
تا فلک ضبط نظام کل به کلکش بازبست اولین مضبوط قطمیر است و می‌رو تا نقیر
و چنانکه مشهود است «نقیر و قطمیر» دو لفظ است که در عربی کنایه از چیز
بسیار کوچک و بی‌قدر و کم ارزش است (مینوی ۱۳۷۱: ۳۰۸). گفتنی است که در
نسخه پ (پرتو بیضایی) «نقیر» ضبط بوده که مصحح این ضبط را نپسندیده و به
حاشیه برده است.

- ص ۱۴۷، ب ۲:

کی چمد با قد تو دیدار با چشم کحیل کی رسد در مدح تو گفتار با پای قصیر
و بیت در نسخه اساس مصحح و دیگر نسخ چنین است:
کی چمد با قدر تو دیدار با چشم کلیل کی رسد در مدح تو گفتار با پای قصیر
کلمه «کلیل» به مفهوم کند و عاجز و درمانده (تغتمامه دهخدا) با مفهوم بیت و نیز
و با «قصیر» در مصراع ثانی سازگارتر است. گفتنی است به جای «قدر»، در متن
دیوان «قد» ضبط شده که ظاهراً از اغلاط مطبعی است و در غلطنامه دیوان نیز
تصحیح نگردیده است.

- ص ۱۶۸، ب ۱۳:

چون تو خلفی نزاده هرگز از سه پدر و چهار مادر
به جای «سه پدر» در اقدم نسخ «نه پدر» ضبط شده که اصح هم همین است و
در نسخه اساس مصحح هم مکتوب است و بیت اشاره به آباء علوی و امهات اربعه
دارد. گفتنی است در متن دیوان چایی به جای «چهار»، «چها» ضبط شده که از
اغلاط مطبعی است و در غلطنامه نیز تصحیح نگردیده است.

- ص ۱۷۳، ب ۳:

ایوان تو چون قبله آمال، مصلی درگاه تو چون کعبه اقبال، مجاور
در نسخه اساس چنین می‌خوانیم:
ایوان تو چون قبله آمال مصلی درگاه تو چون کعبه و اقبال مجاور

- ص ۱۸۴، ب ۱:

در نار چون سمندر و در آب چون سمک در پیسه چون نعامه و در بیشه چون گراز
مصحح در حاشیه این بیت نوشته است:

در سه نسخه «پیشه» بود و با «بیشه» از نظر صنایع عروضی صحیح به نظر می‌رسد. درباره این لغت و استعمال آن در این بیت در ضمن لغات این کتاب در زیر کلمه پیهسه نظری داریم که به آنجا مراجعه فرمایند.

در لغات آخر دیوان نیز در مفهوم پیهسه نوشته است: «سیاه و سفید به هم آمیخته باشد». این موضوع با مفهوم بیت سازگاری ندارد. گفتنی است در غلطنامه دیوان، مصحح «بیشه» را آورده که چنانکه مشهود است در بیت مکرر است. در نسخه اساس ایشان و جمیع نسخ کهن مصراع چنین است: «در تیه چون نعامه و در بیشه چون گراز».

- ص ۱۸۸، ب ۵:

ده کرده نام رتبت تو کوشش فلک شش کرده فرض طاعت تو نوبت مجاز
مطابق جمیع نسخه‌های موجود صحیح بیت چنین است:

ده کرده نام رتبت تو پوشش فلک شش کرده فرض طاعت تو نوبت نماز
- ص ۲۲۰، ب ۲:

سلک بدعت از این گسسته شمر چون بدو عقد شرع یافت نظام
در نسخ کهن می‌خوانیم:
سلک بدعت زین گسسته شمر چون بدو عقد شرع یافت نظام

اختلالات وزنی

دسته دیگر از اشکالات این دیوان، اشعاری است که با وزنی مختل در ضمن قصاید و قطعات ضبط شده است. شاید بتوان برخی از آنها را از اغلاط مطبعی به شمار آورد که در غلطنامه دیوان تصحیح نشده است. از جمله می‌توان به ابیات زیر اشاره کرد:

- ص ۲۶، ب ۷:

سرنکشد چرخ چون جاه عمر هیبت ذره تأدیب برد بر کتف احتساب
صحیح بیت چنین است:

سرنکشد چرخ چون جاه عمر هیبتت ذره تأدیب برد بر کتف احتساب

- ص ۱۲۰، ب ۸:
آن مه نه که بر عذار گردون است این ماه خواجه بر جبین دارد
صورت صحیح بیت چنین است:
آن مه نه که بر عذار گردون است این ماه که خواجه بر جبین دارد
- ص ۲۰۵، ب ۹:
شکوه عقد ثریا دهد به گردن شاخ خوید صدره خارا برد به قامت تل
مطابق نسخ موجود صحیح بیت چنین است:
شکوفه عقد ثریا دهد به گردن شاخ چو خوید صدره گردون برد به قامت تل
- ص ۲۱۳، ب ۶:
ز دست راد تو بادا چو فخر خواهد کرد به بیش و کم سخن شادمان کرم
و در نسخه‌های کهن می‌خوانیم:
ز دست راد تو بادا چو فخر خواهد کرد به بیش و کم سخن، طبع شادمان کرم
- ص ۳۰۸، ب ۱۱:
به معجزم می‌ماند ار کند جبری ادای شعرم بر بام گنبد شعری
بیت به همین صورت مغلوپ در متن دیوان چاپی ضبط است و مصحح در حاشیه
نوشته است «در هر دو نسخه که این قصیده ثبت است این بیت چنین است». در
نسخه‌های کهن بیت مزبور چنین ضبط شده است:
به معجز سختم ماند ار کند جبریل ادای شعرم بر بام گنبد شعری

تحریفات

بیشترین اشکالات دیوان چاپی مذکور، بخش تحریفات و تصحیفات آن است. مواردی که کلمه یا کلماتی توسط نسخ و کاتبان تصحیف یا تحریف یا تعویض گردیده و معنی شعر را نادرست و یا مبهم ساخته است. به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

- ص ۲۵، ب ۵:
چون مه ناکاسته مجلسی آراسته بر رخ صدر اجل خواجه جام شراب

در نسخ کهن می خوانیم:

چون مه ناکاسته مجلسی آراسته
بر رخ صدر اجل خواسته جام شراب
- ص ۲۶، ب ۶:

کام خطا کی نهد ذهن تو در هیچ کوی
راه غلط گم رود فکر تو در هیچ باب
در نسخ موجود می خوانیم:

گام خطا کی نهد ذهن تو در هیچ کوی
راه، غلط کی کند رای تو در هیچ باب
- ص ۴۸، ب ۱۰:

رخی که بیک باد فروماند آن گهی
پالان عود قسمت هر دیزه استر است
در اقدم نسخ چنین می خوانیم:

رخی به یک فسار فرومانده وانگهی
پالان عود قسمت هر دیزه استر است
- ص ۵۳، ب ۸:

در گلستان دل آید نفس من چو صبا
که نسیمش کرم شاه معطر شیم است
در نسخه های کهن چنین می خوانیم:

در گلستان دل آید نفس من چو صبا
که مهبش کرم شاه معطر شیم است
- ص ۶۲، ب ۱:

نزدش از دریا و کان با هر آرند اعتراف
اعترافی حق که نتوان گرفت
بیت به همین صورت با افتادگی در متن دیوان چایی ضبط شده و مصحح در
حاشیه نوشته است: «این مصرع قسمتی از آن سیاه شده و به ظن باید چنین باشد:
اعترافی حق که ایرادی بر آن نتوان گرفت». لیکن در نسخ موجود بیت مزبور چنین
است:

نزدش از دریا و کان یا هر دو آرند اعتراف
اعترافی حق که ردّ و دق بر آن نتوان گرفت
بیت بعد آن نیز از متن دیوان ساقط است:

کز مبارک طبع او کم گوهری زاید که آن
با همه سرمایه دریا و کان نتوان گرفت
- ص ۶۲، ب ۶:

همتت را گر وثاقی ماند از
در خراب آباد کوی کن مکان نتوان گرفت
این بیت نیز با افتادگی در متن دیوان چایی ضبط است. صحیح بیت چنین است:

همتت را گر وثاقی یابد از بهر نزول در خراب آباد کوی کن فکان نتوان گرفت
قافیة بیت مزبور «مکان» نمی تواند باشد؛ چرا که در بیت بعد نیز تکرار گردیده
است.

- ص ۸۹، ب ۲:

هم کاهل هامونی با حلم تو مُسرع هم شبرو گردونی با عزم تو معقد
گفتنی است در جمیع نسخه های کهن به جای «معقد»، «مُقعَد» به معنی
«زمین گیر» ضبط شده که با مفهوم بیت و نیز «مُسرع» در مصراع اول سازگارتر
است. در نسخه اساس مصحح نیز «مُقعَد» ضبط شده که مصحح آن را به حاشیه برده
است.

- ص ۹۰، ب ۱:

زرین قلم چرخ شود نکته بینش زان لفظ گهربار بر این لوح زبرجد
صورت صحیح بیت مطابق اقدم نسخ چنین است:

زرین قلم چرخ شود نکته نبیسی زان لفظ گهربار بر این لوح زبرجد
- ص ۱۰۰، ب ۱:

بر همه صاحب عیاران می بچربد در کمال ناقد ذاتش به هر معیار کش سر می کشد
در نسخه های کهن می خوانیم:

بر همه صاحب عیاران می بچربد در کمال ناقد دانش به هر معیار کش بر می کشد
- ص ۱۱۰، ب ۲:

با نسیم خلق او در باغ صد صاحب قبول صبحدم گلشن ره آورد صبا رد می کند
در نسخه های موجود چنین می خوانیم:

تا نسیم لطف او در باغ شد صاحب قبول صبحدم گلشن ره آورد صبا رد می کند
- ص ۱۱۸، ب ۲:

بستان چو عروسان ز زر و سیم جلی گشت هان چون سر و تنشان ز خضر سیر خلل شد
صحیح بیت مطابق اقدم نسخ چنین است:

بستان چو عروسان ز زر و سیم حلی گشت هامون سروشان ز خضر سبز خلل شد

- ص ۱۲۰، ب ۱۳:

شاداب نهال طبع او در او کابشخور از این دل حزین دارد
گفتنی است در حاشیه قصیده‌ای که بیت مزبور در آن به کار رفته، چنین مسطور
است: «این قصیده فقط در «مج» ثبت است و اصلاحاتی که شده است، قیاسی
است.» در نسخه‌های کهن می‌خوانیم:

شاداب نهال طبع او دردا کابشخور از این دل حزین دارد
- ص ۱۳۳، ب ۴:

نه فتنه صف کشیده در ایام او چو مور نه گنج خاک خورده در ایام او چو مار
بیت در نسخه‌های موجود چنین ضبط است:

نه فتنه صف کشیده در ایام او چو مور نه گنج خاک خورده ز انعام او چو مار
- ص ۱۴۷، ب ۹:

در بر حکم ازل وقت است این بخشش که هست حاسدت شایان بدار و ناصحت اهل سریر
صواب بیت مطابق اقدم نسخ چنین است:

بر در حکم ازل رفته است این بخشش که هست حاسدت شایان بدار و ناصحت اهل سریر
- ص ۱۵۰، ب ۱۱:

سطور نامه تو بر عقول گلشن خلد صریر خامه تو بر حضور شهر صبور
بیت به صورت مزبور، مغشوش و نامفهوم و صحیح بیت چنین است:

سطور نامه تو بر عقول گلشن خلد صریر خامه تو بر خصوم، شهقه صور
- ص ۱۵۲، ب ۵:

بر این نگینه مینا نشانده خون دلم هزار آتش اندیشه از ره تهجیر
در نسخه‌های کهن می‌خوانیم:

بر این مکبه مینا فشانده خون دلم شرار آتش اندیشه از ره تبخیر
- ص ۱۵۸، ب ۲:

بر چار سوی عنصر، خوان سخن مهمان دستی لقبی دارد نعمت ده مدحت خر
در نسخه‌های تازه یافته دیوان چنین می‌خوانیم:

بر چار سوی عنصر درخوان سخن سنجان دستش لقبی دارد منحت ده مدحت خر

- ص ۱۶۳، ب ۱۳:
یا بر سر دولتتم کلاهی نه یا پیره‌ن مقام در بر در
این بیت در اقدم نسخ چنین ضبط است:
یا بر سر دولتتم کلاهی نه یا پیره‌ن قدام در بر در
- ص ۱۶۸، ب ۸:
گر تور نه این نکاح بوده است تزویج عرض نجست جوهر
صورت صحیح بیت، مطابق نسخ موجود چنین است:
کز بویه این نکاح بوده است تزویج عرض نخست و جوهر
- ص ۲۲۲، ب ۷ و ۸:
خاتم ملک را به ماست فروغ که ز رفعت کمینه درگاهیم
رشته پای‌بند سلطنتیم کوری خصم دانه یکتاهیم
دو بیت مزبور در نسخه‌های کهن بدین صورت مضبوط است:
خاتم ملک را به ماست فروغ که ز رفعت نگینه جاهیم
رشته پای بند سلطنتیم کوری خصم را نه یکتاهیم
- ص ۲۲۴، ب ۱۱:
پیره‌ن درنهدم چرخ کمان‌شکل چو تیر تیر چون یوسفی‌ای گشت ز درس فطنم
در اقدم نسخ می‌خوانیم:
پر همی درنهدم چرخ کمان‌شکل چو تیر تیر چون نوسبقی گشت ز درس فطنم
- ص ۲۲۵، ب ۳:
آب ناخورده در این برکه نیلوفرگون همچو نیلوفر تا حلق چرا در کفنم
صحیح بیت مطابق جمیع نسخ موجود چنین است:
آب ناخورده از این برکه نیلوفرگون همچو نیلوفر تا حلق چرا در لژنم
واژه «لژن» صورتی دیگر از «لجن» است که با مضمون بیت سازگاری دارد.
- ص ۲۲۶، ب ۲:
پیر آن است که تیغ رمضان از صفا همه اندام مرا زهره کند چون سفنم
صواب بیت مطابق اقدم نسخ چنین است:

بیم آن است که تیغ رمضان از صفرا همه اندام پر از زهره کند چون سفنم

نتیجه

بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که دیوان اثیرالدین اخسیکتی، شاعر نام‌آور قرن ششم هجری، با آنکه یک‌بار به صورت مجموعه‌ای مدون تصحیح و به نشر رسیده است، با توجه به قلت نسخ دسترس مصحح و نیز تأخر نسخه‌ها، کاستیهای فراوان دارد که بسیاری از آنها با مقابله و مطابقه با نسخه‌های متقدم و تازه یافته دیوان برطرف می‌شود؛ کاستیهایی که در اثر عدم تدقیق کاتبان و نسخ در استنساخ نسخه‌های متأخر و نیز عدم تصحیحی منتقدانه از دیوان این شاعر است و موجب شده است ابیات فراوانی با تصحیفات و تحریفات، افتادگیها و اسقاطات ترکیب دو بیت در یک بیت و نیز ابهامات و تعقیدات، خلط و به هم آمیزی نسخ بدل و نسخه اساس، در متن دیوان ضبط شود.

منابع

- اخسیکتی، اثیرالدین، دیوان، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، تهران، چ ۱، ۱۳۳۷ش.
- انوری ایبوردی، اوحدالدین، دیوان، به کوشش مدرس رضوی، تهران، چ ۳، ۱۳۶۴ش.
- پادشاه، محمد، فرهنگ آندراج، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۶۴ش.
- جبلی، عبدالواسع، دیوان، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران، چ ۳، ۱۳۶۱ش.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، دیوان، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران، چ ۵، ۱۳۶۸ش.
- _____، دیوان، ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران، چ ۲، چ ۱، ۱۳۷۵ش.
- دولتشاه سمرقندی، تذکره الشعراء، به کوشش محمد رضانی، تهران، چ ۲، ۱۳۶۶ش.
- سجادی، سید ضیاء‌الدین، فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی، تهران، چ ۲، ۱۳۸۲ش.
- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۶ش، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی، تهران، چ ۲.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۷۳ش، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، چ ۱۳.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، ۱۳۵۰ش، سخن و سخنوران، تهران، چ ۲.
- مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۹ش، نقد و تصحیح متون، مشهد، چ ۱.
- _____، ۱۳۸۰، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، چ ۱.
- مختاری غزنوی، بهاء‌الدین، دیوان، به کوشش جلال‌الدین همایی، تهران، چ ۲، ۱۳۸۲ش.
- معین، محمد، شرح لغات چهار مقاله، به کوشش علامه قزوینی، تهران، چ ۱، ۱۳۷۲ش.

نگرشی نو بر دیوان اثیرالدین اخسیکتی/۱۹۵

- منشی، نصرالله، کللیله و دمنه، به کوشش مجتبی مینوی، تهران، ج ۱۰، ۱۳۷۱ ش.
- نفیسی، سعید، ۱۳۴۴ ش، تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، تهران، ج ۲، ج ۱.
- نورانی وصال، عبدالوهاب، ۱۳۳۶ ش، «شرح قصیده‌ای از اثیر اخسیکتی»، مجله دانشکده ادبیات شیراز، س ۱، ش ۱.
- هدایت، رضاقلی خان، ریاض‌العارفین، به کوشش عبدالحسین محمود خوانساری، تهران، ۱۳۰۵ ش.
- _____، مجمع‌الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۹ ش.



